

علم منطق

درس بیستم

صناعت شعر

مقصود از شعر در اینجا ، سخنی است که نوعاً از قضاپای مخیلات تشکیل شده باشد ، و به منظور تأثیر گذاری بر دیگران از طریق عاطفه و تحریک احساسات ، ادا شود.

هدف از صناعت "شعر" این است که در پرتو خیال پردازی و صورتگری لفظی ، مخاطب ، تحت تأثیر عاطفی قرار گیرد و مطابق میل گوینده شعر ، پذیرای خواسته های او گردد.

از آنجا که بیان کردن قضاپای مخیله ، همراه با وزن و قافیه ، بهتر و بیشتر در روحیه مخاطبان تأثیر می کند و احساسات و عواطف آنان را تحریک می نماید ، بنا بر این بسیاری از دانشمندان علم منطق ، وزن و قافیه را هم به عنوان عوامل اساسی و مؤثر در تدوین شعر ، قلمداد نموده اند.

همچنین ، هرچه واژه های به کار رفته در یک شعر ، زیبا تر باشد ، و استعاره ها و مجازها و تشبیه ها و کنایه های موجود در آن خیال انگیزتر باشد ، و شکل و صورت آن هم موزون تر و منسجم تر باشد ، شعر مذکور مؤثر تر خواهد بود.

شعر شیوا و رسا ، تاثیری معجزه آسا در شنوندگان و خوانندگان دارد. گاهی از مردمی بی انگیزه ، لشکری نیرومند و مصمم پدید می آورد ؛ و گاهی افرادی مصمم را از عمل به تصمیم خود باز می دارد ؛ و گاهی یک انسان محبوب و شایسته را مبعوض و ناشایست جلوه می دهد ؛ و گاهی فردی فرومایه را به عنوان انسانی فرهیخته و فرزانه به نمایش می گذارد.

بنا بر این ، اگر شعر در راستای هدفی مقدس و صحیح به کار گرفته شود ، نقش ارزشمندی در هدایت انسان ها دارد ، ولی اگر در مسیری ناروا قرار گیرد ، ویرانگر ارزشها خواهد بود.

نمونه های فراوانی از شعرهای تاثیر گذار در زبانهای گوناگون وجود دارد که ادیبان هر قوم ، در آثار ادبی فرهنگ و تمدن خود گرد آورده اند.

یکی از این نمونه ها ، بهره برداری عارف بزرگ ، مرحوم همدانی از صناعت شعر است که از نظر شما می گذرد :

"نقل است که ایشان در یکی از سفرها با جمعی از شاگردان خود به عتبات عالیات در عراق می رفت.

در بین راه به قهوه خانه ای رسیدند که جمعی از دنیا پرستان
میخواندند و پایکوبی می کردند .

مرحوم همدانی به شاگردانش فرمود: یکی برود و آنان را نهی از
منکر کند. بعضی از شاگردان گفتند اینها به نهی از منکر توجه
نخواهند کرد .

ایشان فرمود: من خودم می روم. وقتی که نزدیک شد به رییس
آنان گفت : اجازه می فرمایید من هم بخوانم شما بنوازید؟ !

پاسخ داد : مگر شما بلدی بخوانی؟

فرمود: بلی.

گفت: بخوان.

ایشان هم شروع کردند به خواندن شعر "ناقوسیه" از حضرت
امیر مؤمنان علیه السلام که با این ابیات شروع می شود :

لا اله الا الله ، حقاً حقاً ، صدقاً صدقاً

إن الدنيا قد غرّتنا ، و أشتغلنا ، و استهوتنا...

یعنی :

خدایی جز پروردگار یگانه نیست

حق است و راست

دنیا ما را فریب داد
مشغول به خود ساخت
ما را به بازی گرفت

آن گروه گمراه با شنیدن این ابیات عرفانی ، به گریه در آمدند و
به دست ایشان توبه کردند .
نمونه دیگر ، شعر معروف رودکی است که باعث شد پادشاه
معاصرش ، برای سفر به سوی بخارا مصمم گردد :

ای بخارا شاد باش و شاد زی
شاه زی تو میهمان آید همی
شاه سرو است و بخارا بوستان
سرو سوی بوستان آید همی
شاه ماه است و بخارا آسمان
ماه سوی آسمان آید همی

همچنین ، سرودن و خواندن شعرهای حماسی در میدانهای
نبرد، چه بسا لشکری شکست خورده و فراری را مجدداً منسجم
ساخته و با دمیدن روح امید از طریق تحریک عاطفه و

احساسات، دو باره آن را به صحنه جنگ باز گردانده و پیروزی ها
آفریده است. مانند برخی از شعرهای حماسی فردوسی :

چو فردا برآید بلند آفتاب
من و گرز و میدان و افراسیاب

صناعت مغالطه

مغالطه ، به قیاسی گفته می شود که از قضایای مشبّهات و
وهمیّات تشکیل شده ، یا آنکه شرایط صحّت قیاس ، در آن
رعایت نگردیده است.

سفسطه و مشاغبه

اگر مغالطه از مشبّهات یا وهمیّاتی تشکیل شده باشد که شبیه
مقدّمات برهان (یعنی : شبیه یقینیّات) است ، آن را اصطلاحاً ،
"سفسطه" می نامند.

اما اگر مغالطه از مشبّهات یا وهمیّاتی تشکیل شده است که شبیه مقدمات جدل (یعنی : شبیه مشهورات و مسلّمات) است، آن را اصطلاحاً ، "مشاغبه" می نامند.

زمینه های پیدایش مغالطه

زمینه پیدایش مغالطه ، دو چیز است :

الف - در برخی موارد ، شخصی می خواهد افراد دیگری را در بحث و مناقشه علمی بفریبد و سخن باطلی را با دلیلی به ظاهر درست ، اما در حقیقت باطل ، به دیگران بقبولاند. بنا بر این ، به ساختن قیاس مغالطه ای می پردازد.

ب - اما در بعضی موارد ، شخصی در صدد کشف و درک حقایق است ، اما به دلیل نا آگاهی از شرایط لازم ، در تشکیل قیاس صحیح ، اشتباه می کند و به جای برهان ، به مغالطه تمسک می جوید.

بر این اساس ، آگاهی از صناعت مغالطه ، دو نتیجه ارزشمند دارد :

یکی اینکه : از اشتباه خود در تشکیل برهان و ادراک حقایق ، پیشگیری بعمل می آید.

دوم اینکه : با کشف مغالطه دیگران ، از فریب خوردن در بحث و مناظره ، جلوگیری می شود.

عوامل مغالطه

عوامل متعددی در پیدایش مغالطه نقش دارند ، که برخی از آنها لفظی ، و بعضی دیگر معنوی هستند.

در اینجا ، مهمترین عوامل پدید آورنده مغالطه را از نظر گرامی شما می گذرانیم :

الف - مغالطه به خاطر اشتراک ماده لفظ

مثل اینکه از کلمه "آزادی" که دارای معنای ارزشمند است استفاده شود ، ولی از سوی دیگر ، به معنای بی بند و باری به کار برود و چنین گفته شود :

"یکی از آرمان های انسان ها ، آزادی است".

"آزادی ، موجب بی بند و باری است".

نتیجه : "یکی از آرمان های انسان ها ، موجب بی بند و باری است".

منشأ مغالطه مذکور این است که دو معنای کاملاً متفاوت ، از یک لفظی که در دو مقدمه قیاس به کار برده شده است ، اراده گردیده.

مثال دیگر :

"آن مرد ، شیر است".

"شیر ، دم دارد".

نتیجه : "آن مرد ، دم دارد".

منشأ مغالطه یادشده این است که لفظی که دارای دو معنا (یکی حقیقی و دیگری مجازی) است به عنوان حدّ وسط ، در دو مقدمه قیاس به کار رفته ، و در مقدمه اول ، معنای مجازی شیر (یعنی فرد شجاع) اراده شده ، ولی در مقدمه دوم ، معنای حقیقی شیر (یعنی حیوان درنده معروف) اراده گردیده است.

ب - مغالطه به خاطر اشتراک هیأت ذاتی لفظ

مقصود از مغالطه مذکور این است که : کلمه ای که هیأت و شکل تصریفی آن دو پهلو باشد ، در قیاس به کار برده شود. مثل واژه "مشتاق" که هم اسم فاعل برای کلمه اشتیاق است، و هم اسم مفعول برای آن. یا مثل کلمه "طاغیه" که هم به معنای یک زن طغیان کننده به کار می رود ، و هم به معنای یک مرد بسیار طغیان کننده. زیرا تاء موجود در این کلمه ، می تواند تاء تأنیث باشد ، و می تواند تاء مبالغه باشد.

ج - مغالطه به خاطر اشتراک هیأت عرضی لفظ

مقصود از مغالطه یادشده این است که : کلمه ای که هیأت عرضی آن (مثلاً نقطه داشتن و نقطه نداشتن ، یا جابجایی نقطه ها ، یا اختلاف اعراب) موجب اختلاف معنا می شود ، در قیاس به کار برده شود.

مثل اینکه دو لفظ "شتر" و "شیر" بدون نقطه در قیاسی به کار رود و چنین گفته شود :

"حیوانی که کوهان دارد ، شتر است".

"شیر ، حیوانی درنده است".

نتیجه : "حیوانی که کوهان دارد ، حیوانی درنده است".

د - مغالطه به خاطر ترکیب کلمات

منظور از این مغالطه آن است که ترکیبی از کلمات ، به عنوان حدّ وسط در قیاس به کار روند ، ولی آن کلمات مرکّب به گونه ای تنظیم شده ، که معنایی دو پهلو دارد. مثل اینکه از فردی که نمی خواست مردم بدانند از اهل تشیّع است یا از اهل تسنّن ، سؤال کردند : خلیفه بلافضل پیامبر کیست ؟

او در جواب گفت : "آنکه دخترش در خانه اوست".

این عبارت ، دو پهلو است . زیرا می تواند مراد ، ابوبکر باشد ، زیرا دختر ابوبکر ، همسر پیامبر بوده و در خانه او زندگی می کرده است.

همچنین می تواند مقصود او ، حضرت علی باشد ، زیرا دختر پیامبر ، همسر علی بوده و در خانه وی می زیسته است.

این نوع مغالطه را اصطلاحاً ، "مماراة" می نامند.

علاوه بر آنچه بیان شد ، گاهی توهم ترکیب در جایی که ترکیب نیست ، یا توهم عدم ترکیب در جایی که ترکیب هست ، موجب بروز اشتباه و مغالطه می گردد.

ه - مغالطه به خاطر جایجایی اجزاء قضیه

مثل اینکه به جای "هر طلا ، فلز و زرد است" ، بگویند : "هر فلز و زرد ، طلا است". آنگاه این قضیه را در قیاس به کار ببرند.

و - مغالطه به خاطر قرار دادن عرض به جای ذات در قضیه

مثل اینکه به جای اینکه بگویند : "هر ستاره در مداری در فضا می چرخد" ، بگویند : "هر متشعشع در مداری در فضا می چرخد". یعنی متشعشع را که صفت ستاره و عارض آن است به جای خود ستاره قرار دهند و آنگاه این قضیه را در قیاس به کار ببرند.

ز - مغالطه به خاطر اضافه کردن قید ناروا یا حذف قید لازم

مثال برای اضافه کردن قید ناروا به جزء قضیه :

مثل اینکه به جای عبارت "شراب ، حرام است" ، بگویند : "شراب ، از آنجا که مایع است ، حرام است".

مثال برای حذف قید لازم از جزء قضیه :

مثل اینکه به جای عبارت "آب مطلق ، پاک کننده است" ،
بگویند: "آب ، پاک کننده است".

در حالی که آب (بدون قید یادشده) ، شامل آب مضاف (مثل آب
میوه) هم می شود ، که پاک است ، ولی پاک کننده نیست.

ح - مغالطه به خاطر عدم مراعات شروط قیاس

در دروس پیشین ، شروط مادّه و صورت قیاس را برای تشکیل
قیاس صحیح ، با ذکر مثال های متعدّد ، بیان کردیم.
بنا بر این ، در صورت عدم مراعات شروط یادشده ، قیاس مذکور ،
مغالطه خواهد بود.
